

## پرچم هیئت امام حسین (ع)

سلام بچه ها من امسال محرم تو دسته ی امام حسین (ع) پرچم هیئت رو دستم می گیرم. خیلی خوشحالم مدت ها بود انتظار می کشیدم تا نوبت من هم بشه، آخه باید ده سالم می شد و مامان و بابا هم ازم راضی بودن تا شرایط حضور تو دسته رو پیدا می کردم.



سلام بچه ها من امسال محرم تو دسته ی امام حسین (ع) پرچم هیئت رو دستم می گیرم. خیلی خوشحالم مدت ها بود انتظار می کشیدم تا نوبت من هم بشه، آخه باید ده سالم می شد و مامان و بابا هم ازم راضی بودن تا شرایط حضور تو دسته رو پیدا می کردم.

مامانم شرط گذاشته بود که اگه امتحانات این هفته رو خوب بدم اجازه بده. من خیلی تلاش کردم تا امتحانات رو به بهترین شکل بدم آخه خیلی برام مهم بود تا امسال پرچم رو من دستم بگیرم.

خلاصه امتحانات رو دادم و منتظر جواب بودم شبی که قرار بود فرداش جواب امتحانات رو بگیرم تا صبح خوابم نمی برد من تلاشم رو کرده بودم ولی بازم می ترسیدم هر کاری کردم خوابم نمی برد، از جام بلند شدم و رفتم جانمایی که مامان بزرگم پارسال از کربلا برام آورد بود رو پهن کردم و نشستم پای سجاده از خدا خواستم کمک کنه تا رضایت مامان و بابا رو بگیرم و بعد همه چیز رو به امام حسین (ع) سپردم. دایی جون می گه اگه همه چیز رو به صاحبش بسپیریم خودش درست میشه منم همه چیز رو به صاحبش یعنی امام حسین سپردم.

صبح مامانم از پای سجاده بیدارم کرد و گفت: هادی جان چرا این جا خوابیدی؟ هیچی نگفتم و پاشدم و رفتم برای مدرسه حاضر شدم. زنگ اول خانم معلم جواب امتحانات هفتگی رو داد همش عالی بود خیلی خوشحال شدم فقط خدا خدا می کردم تا زود تر زنگ بخوره برم خونه.

موقع برگشت از ذوقم همه ی راه و دویدم تا خونه. زنگ در رو که زدم بدون سلام گفتم مامان همه ی نمره هام عالی شد مامانم گفت: اول سلام. خندیدم. مامانم گفت: عزاداری امام حسین قبول باشه پس امسال میتونی پرچم هیئت رو دست بگیری. من هم سریع رفتم به مسئول هیئتمون خبر دادم و قرار شد که پرچم دست من باشه.